



توراه اور • پاراشاها ویשב • مامار 4

בכ"ה בכסליו יומי דחנוכה כו' שכשנכנסו יונים להיכל וכו'

درباره بیست و پنجم کیسلو



تقديم به افتخار

מוקדש לכבוד הגאון המקובל רבי לוי יצחק שניאורסאהן זצ"ל

پدر ربّه، رب لیوی ییتسخاک

LikuteiTorah.com



پاراشای حسیدی

/likuteitorah.com/fa/torah-ohr/vayeishev/4

1 בכ"ה בכסליו יומי דחנוכה כו' שכשנכנסו יונים להיכל וכו'.

«در بیست و پنجم کیسلو، روزهایחנוکا [آغاز می‌شوند]» و جز این؛ «زیرا هنگامی که یونانیان به حرم معبد وارد شدند» و جز این.

וכשגברו מלכות בית חשמונאי ונצחום לא מצאו אלא פך א' של שמן כו'. לשנה אחרת קבעום ח' י"ט בהלל והודאה. להבין ענין הלל וענין הודאה.

«و چون خاندان پادشاهی حشמוنائیان چیره شدند و آنان را شکست دادند، جز یک کوزه روغن نیافتند» و جز این. «سال بعد، آن روزها را هشت روز جشن قرار دادند، همراه با سرودهای ستایش (הלל, Hallel) و سپاسگزاری.» باید معنای سرودهای ستایش و معنای سپاسگزاری را دریابیم.

וגם להבין למה תקנו בנס זה להדליק נרות זכר למקדש שמצאו פך א' של שמן כו' ולא תקנו כן בשאר נסים.

همچنین باید دریابیم چرا برای این معجزه مقرر کردند چراغ‌هایی روشن کنند تا یادآور معبد باشد، جایی که یک کوزه روغن یافتند و جز این؛ حال آنکه برای معجزات دیگر چنین کاری مقرر نکردند.

וגם מה ענין נרות להלל והודאה. אך הענין הוא דכתיב נר מצוה ותורה אור כו'. ויובן בהקדים לבאר ענין המנורה שבבהמ"ק [שבבית המקדש] שארז"ל [שאמרו רבותינו זכרונם לברכה] וכי לאורה הוא צריך כו'.

همچنین، چراغ‌ها چه ارتباطی با سرودهای ستایش و سپاسگزاری دارند؟ اما توضیح این است که نوشته شده: «زیرا فرمان (מצוה, mitzvah) چراغ است و تورات نور است» و جز این. این مطلب با توضیح نخست معنای منورای معبد مقدس روشن خواهد شد؛ درباره آن، حکیمان ما، یادشان گرامی، گفتند: «مگر او به نور آن نیاز دارد؟» و جز این.

2 והנה כתיב ובהעלות אהרן את הנרות בין הערבים יקטירנה. ובבקר בהטיבו את הנרות יקטירנה.

שבלילה היה מדליק כל ז' הנרות ולמחר מדשנם ומטיבם

اکنون، نوشته شده است: «و هنگامی که هارون (אהרן) چراغ‌ها را هنگام غروب برمی‌افروزد، آن را [بخور را] بسوزاند»؛ و نیز: «و بامدادان، هنگامی که چراغ‌ها را آماده می‌کند، آن را بسوزاند.» زیرا شب، هر هفت چراغ را روشن می‌کرد و روز بعد خاکسترشان را پاک می‌کرد و آماده‌شان می‌ساخت،

ולא היה מדליק אלא נר המערבי שהוא נר ששי שממנו היה מתחיל ובו היה מסיים.

و تنها چراغ غربی را روشن می‌کرد؛ چراغی که چراغ ششم بود و از آن آغاز می‌کرد و با آن به پایان می‌رساند.

והענין כי הנרות הם המדות לך ה' הגדולה והגבורה כו' והן ז' נרות כנגד ז' מדות.

توضیح آن است که چراغ‌ها همان صفات عاطفی (مדות، middos) هستند: «بزرگی و توان، ه'، از آنِ توست» و الی آخر؛ و آن‌ها هفت چراغ‌اند که با هفت صفات عاطفی (مדות) متناظرند.

3 והנה בכל מדה ומדה יש זה לעומת זה בקליפה נגד הקדושה והן יונקות מן הקדושה

اکنون، در هر صفت، «این در برابر آن» وجود دارد: در پوسته (کلیפה، kelipah)، در برابر قداست؛ و آن‌ها نیروی حیات خود را از قداست می‌گیرند.

כמו מאהבה שבקדושה נמשך בהשתלשלות המדרגות להיות תאוה גשמית. וכן מיראה שבקדושה יראה רעה וכעס וכח"ג [וכחאי גוונא].

برای نمونه، از عشق در قداست، در زنجیرهٔ مراتب نزولی، [آنچه فرود می‌آید] به شهوت جسمانی بدل می‌شود؛ و همچنین از هیبت در قداست، ترس نادرست و خشم و مانند آن پدید می‌آید.

4 וצריך לבררם ולהפכם להתכלל בקדושה עליונה שתהיינה המדות כולן לה' בבחי' בטול לך ה' הגדולה והגבורה כו'.

و باید پالوده و دگرگون شوند تا در قدوسیّت برتر جذب گردند، به‌گونه‌ای که همهٔ صفات از آنِ ه' باشند، در حالتِ خودنفی‌گری (ביטול، bittul): «بزرگی و توانایی از آنِ توست، ه'»، و مانند آن.

והבירור הוא בחכמה כי בחכמה אתברירו כו'. והחכמה הוא בחי' אור להאיר את המדות ולזככן.

پالایش به‌واسطهٔ حکمت (חכמה، Chochmah) انجام می‌شود، زیرا «به‌واسطهٔ حכמה پالایش می‌شوند» و مانند آن. و حכמה نوری است برای روشن‌کردن صفات و پالودن آن‌ها.

ובלילה שהוא זמן החשך היה צריך להאיר את כל ז' הנרות דהיינו להמשיך אור החכמה בכל מדה ומדה בפ"ע [בפני עצמו]

اما در شب، که زمانِ تاریکی است، لازم بود هر هفت چراغ روشن شوند؛ یعنی نورِ حכמה به هر صفت، جداگانه، کشانده شود،

משא"כ ביום היה די בהדלקת נר ה' שהוא עיקר ההשפעה וממילא היה נמשך אור החכמה בכל המדות.

درحالی‌که در روز، روشن‌کردنِ چراغِ ششم کافی بود؛ زیرا آن مجرای اصلیِ تأثیرگذاری است و درنتیجه، نورِ حכמה خودبه‌خود به همهٔ صفات کشانده می‌شد.

5 והנה יש עולם שנה נפש וכשם שהיה אהרן ממשיך המשכת אור החכמה בעולם שהן ז' בחי' ומדות

עליונות שבסדר והנהגת העולם כך היה ממשיך אור החכמה בנפש ישראל

اکنون، «جهان، سال، نفس» وجود دارد. همانگونه که هارون (אהרן) نورِ حکمت (חכמה, Chochmah) را به جهان فرومی‌کشید، [به] هفت مرتبه و صفاتِ برتر در نظم و تدبیرِ جهان، او نیز نورِ حכמה را به نفوسِ اسرائیل فرومی‌کشید،

שהם יוצאי ירך יעקב שבעים נפש נגד בחי' ז' הנרות והם יוצאי ירך יעקב יו"ד עקב דהיינו בחי' יו"ד

הוא בחי' חכמה הנמשכת ומשתלשלת בבחי' עקב וסוף המדרגות התחתונות.

که «از رانِ یعقوب (יעקב) بیرون‌آمدگان، هفتاد تن» هستند؛ و با هفت چراغِ تناسب دارند. آنان «از رانِ یعقوب بیرون‌آمدگان» هستند: یو"ד-עקב (yud-ekev: «پاشنه»)، یعنی یוד (יו"ד, yud)، که חכמה است و به مرتبۀ پاشنه، پایانِ پایین‌ترین مراتب، فرود کشیده و نازل می‌شود.

6 וזהו וידו אוחזת בעקב עשו כי ידו אותיות יו"ד אוחזת את העקב של עשו לבלתי נתון לו תוקף

התפשטות וממשלה רק להכניעו תחת הקדושה ולאכפף [ולאכפף] לס"א [לסטרא אחרא].

این [معنای] «و دستش پاشنه عیسو (عشو) را گرفته بود» است: زیرا واژهٔ ידو («دستِ او») از همان حروفِ یو"ד (yud) تشکیل شده است؛ این «دست» پاشنهٔ عیسو را می‌گیرد تا به آن توانِ گسترش و فرمانروایی ندهد، بلکه تنها آن را زیرِ قداست خاضع سازد و سويِ دیگر (סטרא אחרא, sitra achra) را به انقیاد درآورد.

וזה היה ענין המשכת אהרן בהעלותו את הנרות להמשיך בחי' יו"ד של יעקב הוא אור החכמה לבחי'

עקב כדי שתהיינה גם מדות הטבעיים [הטבעיים] שבנפש הבהמית עולות ונכללות בקדושה.

و این مقصود از آنچه هارون (אהרן) هنگام برافروختنِ چراغ‌ها به پایین می‌کشید، بود: اینکه یודِ یعقوب، یعنی نورِ حکمت (חכמה, Chochmah)، را به مرتبۀ پاشنه فرود آورد، تا حتی صفاتِ طبیعیِ نفیسِ حیوانی (נפש הבהמית, Nefesh HaBahamis) نیز بالا روند و در قداست جذب شوند.

7 והנה כתיב ובהעלות אהרן את הנרות בין הערבים יקטירנה וכן בבקר בהטיבו את הנרות יקטירנה.

اکنون چنین نوشته شده است: «و هنگامی که هارون (אהרן) چراغ‌ها را هنگام غروب روشن می‌کند، آن را بسوزاند»؛ و نیز: «صبحگاهان، هنگامی که چراغ‌ها را آماده می‌کند، آن را بسوزاند».

בהעלות והדר יקטירנה וכן בבקר וכמ"ש בסדר המערכה הטבת שתי נרות קודמת לקטורת.

[نخست] «هنگامی که روشن می‌کند» و سپس «آن را بسوزاند»؛ و نیز در صبحگاهان. چنان‌که در ترتیبِ خدمتِ معبد آمده است، آماده‌کردنِ دو چراغ بر بخور مقدم است.

ולהבין ענין הקטרת שהיה אחר הדלקת והטבת שתי נרות הוא כי הנה ענין הנרות כבר מבואר למעלה שהוא ענין העלאת המדות שירדו ונשתלשלו בגשמיות הנה"ב [הנפש הבהמית] שתהיינה עולות ונכללות בקדושה. אך הקטרת הוא ענין העלאת האותיות שהן במחדו"מ [במחשבה דבור ומעשה] לבושי המדות שהן בחי' דומם.

برای فهم معنای بخور، که پس از روشن کردن و آماده کردن دو چراغ می آمد، باید دانست که معنای چراغها، چنان که پیش تر توضیح داده شد، بالا آوردن صفات عاطفی (مדות، middos) است که به جسمانیّت نفیس حیوانی (نפש הבהמית، Nefesh HaBahamis) فرود آمدند و در آن تنزل یافتند، تا بالا روند و در قداست جذب شوند. اما بخور، بالا آوردن حروف است؛ حروفی که در اندیشه، گفتار و کردارند و پوشش های صفات اند؛ آنها در مرتبه بی جان قرار دارند.

8 ואותיות דקדושה נק' חומת בת ציון חומה של אבנים שתי אבנים בונות שני בתים כו' כנודע.

حروف قدسی «دیوار دختر صیون» نامیده می شوند؛ دیواری از سنگها: «دو سنگ، دو خانه می سازند» و جز اینها، چنان که معروف است.

וכמ"ש במ"א ע"פ גדול ה' ומהולל מאד בעיר אלקינו אימתי נק' גדול כשהוא בעיר אלקינו כו'.

و همان گونه که جای دیگری درباره آیه «بزرگ است ه' و بسیار ستوده، در شهر اَلْقِنُو» توضیح داده شده است: چه هنگام او بزرگ خوانده می شود؟ هنگامی که در شهر اَلْقِنُو است، و مانند آن.

9 והנה אותיות של המחדו"מ [המחשבה דבור ומעשה] שנפלו בגשמיות תחת ממשלת הקליפות וסט"א [וסטרא

אחרא] אין להם עלייה ע"י המשכת אור החכמה כי אין אור החכמה אלא במדות עצמן אהוי"ר [אהבה ויראה] כו'

اکنون، حروف اندیشه، گفتار و کردار که به عالم جسمانی فروافتاده و زیر فرمانروایی پوسته ها (קליפות، kelipos) و سوي دیگر (סטרא אחרא، sitra achra) قرار گرفته اند، به واسطه فرود آوردن نور حکمت (חכמה، Chochmah) عروج نمی یابند؛ زیرا نور حکمت تنها در خود صفات، یعنی عشق و هیبت (אהבה وיראה، ahavah veyirah)، است، و غیره.

שהן בחי' רוחניות (עמ"ש ע"פ וייצר כו' בפ' בראשית) אבל גשמיות האותיות אין להם עלייה כ"א ע"י הקטרת שסממני הקטרת היו מדברים שאין בהם טעם כלל

که ماهیتی روحانی دارند (بنگرید به آنچه درباره «و [ה'] صورت داد»، و غیره، در پاراشای برشیت توضیح داده شده است). اما جسمانیّت حروف هیچ عروجی ندارد، مگر به واسطه بخور؛ زیرا ادویه بخور از چیزهایی بودند که اصلاً هیچ مزه ای ندارند.

ואינם ממין מאכל כלל הרי הן בבחי' דומם ובהקטרות נעשה בחי' ריח העולה למעלה שמשיב את הנפש אשה ריח ניחוח להוי"ה שע"י הריח נעשה ניחוח דהיינו ירידה להשתלשלות המשכת בחי' הוי"ה יו"ד חכמה כו':

و اصلاً از جنس خوراک نیستند؛ پس در مرتبه جماد قرار دارند. و با سوزاندنشان عطری پدید می‌آید که به بالا برمی‌خیزد و جان را بازمی‌گرداند: «قربانی آتشین، عطری خوشایند برای ה'». زیرا از رهگذرِ عطر، خوشایندی (ניחוח, nichoach) پدید می‌آید؛ یعنی فرودی در زنجیرهٔ نزولِ عوالم (השתלשלות, hishtalshelus)، و فرودآوردنِ مرتبهٔ ה'؛ [که] حرفِ یוד (יו"ד, yud) آن [است] **حכמה**، و غیره.

10 והנה כ"ז [כל זה] היה בבהמ"ק [בבית המקדש] שהיו מקריבין קרבנות ועכשיו היא התפלה במקום הקרבנות. ולהבין ענין זה בתפלה.

اکنون، همهٔ اینها در معبد مقدس بود، جایی که قربانی‌ها را تقدیم می‌کردند؛ و اکنون نماز جای قربانی‌ها را گرفته است. باید این موضوع را [از منظر] نماز درک کنیم.

הנה בסדר המערכה היה דם התמיד קודם להטבת שתי נרות ונרות לקטרת וקטרת לאברים נמצא שדם התמיד קודם לנרות וקטרת ואברי התמיד אחר נרות וקטרת.

در ترتیبِ کارِ معبد، خونِ قربانیِ روزانه (התמיד, tamid) پیش از آماده‌سازیِ دو چراغ می‌آمد، چراغ‌ها پیش از بخور، و بخور پیش از اندام‌ها. بنابراین، خونِ قربانیِ روزانه پیش از چراغ‌ها و بخور می‌آمد و اندام‌های قربانیِ روزانه پس از چراغ‌ها و بخور.

ויוכן ענין זה בעבודת ה' בתפלה. כי הנה עיקר העבודה בק"ש [בקריאת שמע] ותפלה הוא למסור נפשו בק"ש [בקריאת שמע].

این موضوع در کارِ بندگیِ ה' در نماز فهمیده خواهد شد. زیرا جوهرِ کارِ بندگی در قرائتِ שְׁמַע (שמע, Shema) و نماز این است که انسان در שְׁמַע جان خویش را به ה' بسپارد.

11 והנה יש ב"פ [ב' פעמים] מס"נ [מסירות נפש] למסור נפשו באחד. ובכל נפשך אפילו נוטל את נפשך כו'. ולהבין מהו ענין ב"פ [ב' פעמים] מס"נ [מסירות نפש] הללו

اکنون، دو گونه فداکاری تا پای جان (مסירות نפש, mesirus nefesh) وجود دارد: سپردنِ جانِ خویش در «واحد»، و «با تمام جانت: حتی اگر جانت را بگیرد» و جز این. برای فهمیدنِ اینکه این دو گونه فداکاری تا پای جان چیستند:

הנה למס"נ [למסירות נפש] באחד קאי על נה"א [נפש האלקית] שהיא בבחי' ביטול ממש וכמ"ש חי ה' אשר עמדתי לפניו. בחי' עמידה היא ביטול באוא"ס [באור אין סוף] ב"ה ממש.

فداکاری تا پای جان در «واحد» ناظر به نفیس الهی (نفس האלקית, Nefesh Elohis) است؛ نفسی که در حالت خودنهی گری واقعی (بیטول, bittul) قرار دارد، چنانکه نوشته شده است: «به حیاتِ ה'، که در پیشگاه او ایستاده‌ام.» حالت ایستادن، خودنهی گری در خود نور بی پایان (اور אין سوف, Or Ein Sof) – متبارک باد – است.

12 **ובחי' ובכל נפשך היינו שגם בחי' נה"ב [نفس הבהמית] חי' [היה] בבחי' אתכפיא ואתהפכא כו'**

و مرتبه / جنبه (بחינה, bechinah) «با تمام جانت» یعنی نفس حیوانی (نفس הבהמית, Nefesh HaBahamis) نیز باید در حالی به انقیاد درآمدن و دگرگون شدن (אתכפיא, iskafya و אתהפכא, is'hapcha) باشد و غیره.

שמס"נ [שמסירות نפש] זו אינה באחד אלא בבחי' ברוך שם כבוד מלכותו כו'. והענין כי הנה נודע שבחי' ממלא כ"ע [כל עלמין] וסוכ"ע הכל נק' בחי' שמי בלבד.

زیرا این فداکاری تا پای جان (مسירות نפש, mesirus nefesh) نه در «یکی»، بلکه در مرتبه «مبارک باد نام جلال پادشاهی او» است و غیره. مقصود این است که چنانکه دانسته است، مرتبه نوری که همه عوالم را پر می‌کند (مملأ کل علمین, memalei kol almin) و مرتبه نوری که همه عوالم را فرا می‌گیرد (סובב کل علمین, sovev kol almin)، هر دو تنها «مرتبه نام من» خوانده می‌شوند.

13 וכמאמר מלך משובח ומפואר עדי עד שמו הגדול. ועדי עד פי' כל העליות שמעולם עד עולם בעילוי אחר עילוי עוה"ב [עולם הבא] וג"ע [וגן עדן] העליון וימות המשיח ותחיה"מ [ותחיית המתים] וכמה רבבות עולמות והיכלות המבואר בזוהר.

چنانکه در این عبارت آمده است: «نام بزرگ او، پادشاه تا ابد و جاودان ستوده و باشکوه است.» «تا ابد و جاودان» (عدي עד, adei ad) یعنی همه عروج‌ها از عالمی به عالمی دیگر، و از مرتبه‌ای به مرتبه‌ای بالاتر: عالم آینده، باغ عدن برین، روزگار مשיח (Moshiach) و رستاخیز مردگان، و انبوه بی‌شمار عوالم و تالارهایی که در زوهار (زوهار, זוהר) شرح داده شده‌اند.

14 ובאמת יש הרבה יותר עד אין קץ וכמ"ש ולגדודיו אין מספר וגדודיו הן מלאכים שהן בחי' חיצוני' העולמות ומכ"ש [ומכל שכן] נשמות שהן פנימי' [פנימיות / פנימית] עולמות אין זה אלא בבחי' שמו שם כבוד מלכותו.

در حقیقت، بسیار بیش از این‌ها هستند، بی‌کران؛ چنان‌که نوشته شده است: «سپاهیان او بی‌شمارند»؛ و سپاهیان او فرشتگان‌اند، که بُعد بیرونی عوالم‌اند، و به طریق اولی، نفوس که بُعد درونی عوالم‌اند. با این همه، تمام این‌ها فقط در مرتبه «نام او»ست، یعنی نام جلال پادشاهی او.

כמשל התפשטות המלך במדינה שרק שמו הולך בכל מדינות מלכותו ולא עצמותו ומהותו

همانند گسترش پادشاه در کشورش: تنها نام او در سراسر استان‌های پادشاهی‌اش منتشر می‌شود، نه ذات و هستی او.

כך כביכול התפשטות החיות הנמשך מאור א"ס ב"ה להחיות כל הברואים ونפש כל חי אין התפשטות

והמשכה זו רק בבחי' שם שהוא רק זיו והארה בבחי' התפשטות בלבד ונק' אא"ס [אור אין סוף]

همین‌طور، به‌اصطلاح، گسترش نیروی حیات که از نور بی‌پایان (אור אין סוף, Or Ein Sof)، متبارک باد، جاری می‌شود تا به همهٔ آفریدگان و نفیس هر موجود زنده حیات ببخشد: این گسترش و فرودآمدن فقط در مرتبه «نام» است؛ چیزی که تنها پرتوی و روشنایی، و صرفاً گسترشی است، و آن را نور بی‌پایان (אור אין סוף, Or Ein Sof) می‌نامند.

אבל עצמות א"ס ב"ה ממש הוא רם ונשא כי אני ה' לא שניתי כתיב ואין ערוך אליו ית' אפי' [אפילו]

כערך טפה מים אוקינוס כו'.

اما ذات خود بی‌نهایت مطلق (אין סוף, Ein Sof)، متبارک باد، بس بلندمرتبه و فراتر است؛ زیرا نوشته شده است: «زیرا من، نام چهارحرفی (ה', Havayah)، تغییر نکرده‌ام»؛ و هیچ نسبتی با او، متبارک باد، نیست، حتی نسبت یک قطره به اقیانوس و مانند آن.

15 והנה הנשמה ونפש האלקי' מחמת שהיא בבחי' פנימי' [פנימיות / פנימית] העולמות היא בטלה ונכללת

ביחוד עליון ב"ה לגבי אור א"ס ב"ה ממש מחמת ששורה ומאיר עליה אור א"ס ב"ה

اکنون، روح، نفیس الهی (נפש האלקית, Nefesh Elohis)، چون از بُعد درونی (פניمיות, pnimiyus) عوالم است، در برابر نور بی‌پایان (אור אין סוף, Or Ein Sof) به خودنمایی‌گری (ביטול, bittul) می‌رسد و در یگانگی برتر (יחודא עילאה, yichuda ila'ah)، که او متبارک باد، مستغرق می‌شود؛ در برابر خود نور بی‌پایان، که متبارک است؛ زیرا نور بی‌پایان بر آن قرار دارد و بر آن می‌تابد،

ומשכלת ומתבוננת ברוממותו ית' איך שאין להעריך אליו ואני ה' לא שניתי כו'.

و درباره والایی او، که متبارک است، می‌اندیشد و تأمل می‌کند: اینکه هیچ‌چیز را نمی‌توان با او سنجید، و «من، ه'، تغییر نکرده‌ام»، و جز این.

אבל בהשתלשלות וירידת המדרגות עד סוף המדרגות תחתונות דנה"ב [נפש הבהמית] המלובשת בגוף הגשמי ממש. הנה הגשמי הוא מסך מבדיל ומפריד היחוד עליון מחמת שנראה לעיני בשר ליש ודבר נפרד

اما در زنجیره نزولِ عوالم (השתלשלות, hishtalshelus) و فرود آمدنِ مراتب، تا پایانِ پایین‌ترین مراتب، [یعنی مرتبۀ] نفیس حیوانی (نפש הבהמית, Nefesh HaBahamis) که در جسمِ مادی واقعی پوشیده است، امرِ مادی پرده‌ای است که [آن را] از یگانگی برتر جدا و گسسته می‌کند؛ زیرا در چشمِ جسمانی، موجودی و چیزی جداگانه به نظر می‌رسد.

ומ"מ ע"י ירידת הנשמה ונפש אלקי' שלא ירדה בשביל עצמה שהרי גם קודם ירידתה היתה בבחי' אשר עמדתי כו' אלא הירידה היא צורך עליי' [עלייה] נפש הבהמית היא להאיר לה הארה מיחוד עליון ב"ה שתוכל גם היא לעלות וליכלל באא"ס [באור אין סוף] ב"ה.

بااین‌همه، این امر از راهِ نزولِ روح، یعنی نفیس الهی، صورت می‌گیرد؛ روحی که برای خود فرود نیامد، زیرا حتی پیش از نزولش نیز در مرتبۀ «در پیشگاه آن‌که ایستاده‌ام» بود، و جز این؛ بلکه نزول برای صعودِ نفیس حیوانی است: تا پرتوی از یگانگی برتر، که او متبارک باد، بر آن بتابد، تا آن نیز بتواند بالا رود و در نور بی‌پایان، که متبارک است، مستغرق شود.

16 והארה והמשכה זו היא מבחי' ברוך שם כבוד מלכותו לעולם ועד.

این تابش و فروفرستی از مرتبۀ «مبارک باد نامِ جلالِ فرمانروایی او تا ابدالآباد» است.

דהיינו ע"י התבוננות שכל מה שנראה ליש ונפרד אין זה אלא בחי' זיו ושם כבוד מלכותו. ואי לזאת יהיה היש בטל כמו זיו השמש בשמש כו' וכמ"ש במ"א.

یعنی از راه تأمل در این‌که هر آنچه هستی‌ای مستقل و جداگانه به نظر می‌آید، چیزی جز پرتوی از «نامِ جلالِ فرمانروایی او» نیست. ازاین‌رو، آن هستی در برابر سرچشمه‌اش به خودنهی‌گری می‌رسد، همچون پرتو خورشید در خود خورشید و غیره؛ چنان‌که در جای دیگری توضیح داده شده است.

17 והנה בעליית נה"ב [נפש הבהמית] **להתכלל באור א"ס ב"ה גדול מאד ורב כחה שהיא בחי' בע"ת** [בעלי תשובה] **דמשכין בחילא יתיר.**

אکنون، در صعودِ نفیس حیوانی (نפש הבהמית, Nefesh HaBahamis) برای جذب شدن در نور بی پایان (אור אין סוף, Or Ein Sof) (متبارک باد ה')، قدرتِش بسیار عظیم و فراوان است؛ زیرا از مرتبۀ بازگشت کنندگان (בעלי תשובה, baalei teshuvah) است که «با نیرویی بیشتر می کشند».

כי נה"ב [נפש הבהמית] **נלקחה מחיות הקודש שבמרכבה. והחיות נושאות את הכסא ודמות כמראה אדם עליו מלמעלה.**

زیرا نفیس حیوانی از موجوداتِ زندۀ مقدسی که در ارا به اند (Chayos, חיות הקודש) برگرفته شده است. و حیوت (חיות) تخت را حمل می کنند، و «شمایلی به صورتِ انسان بر فراز آن، از بالا» است.

18 وברעש גדול מתנשאים. וזה היה ענין דם התמיד צפונה לפני הוי"ה שהקרבות היו בנפש הבהמה להעלותה לשרשה שנלקחה מבחי' פני שור שבמרכבה.

«و با غوغایی بزرگ برمی خیزند.» این معنای خونِ قربانیِ روزانه (תמיד, tamid) بود؛ [ذبح شده] «در سمتِ شمال، پیشِ ה' (Havayah)». زیرا قربانی ها از نفیس حیوان بودند تا آن را به ریشه اش، که از آن برگرفته شده بود، بالا برند؛ یعنی مرتبۀ صورتِ گاو در ارا به.

והתמיד היה מקדשי קדשים ששחיטתן בצפון בחי' גבורה שמהשמאל בחי' רעש גדול. וגם צפונה צפון ה'

قربانیِ تמיד از قربانی های قدس الاقداس بود که در شمال ذبح می شوند؛ مرتبۀ قید و سخت گیری (גבורה, Gevurah)، که از جانبِ چپ است و مرتبۀ «غوغایی بزرگ» به شمار می رود. افزون بر این، «צפונה» (tzafonah؛ «در سمتِ شمال») [یعنی] «צפון ה'» (tzafon hei)، «هی پنهان»؛

דהיינו בחי' ה' אחרונה של שם הוי"ה שהוא בחי' העלם וצמצום א"ס ב"ה שמחמת זה היה הרעש.

یعنی مرتبۀ هی پایانیِ نامِ ה'، که مرتبۀ پنهانی و انقباض (צמצום, tzimtzum) بی نهایتِ مطلق (אין סוף, Ein Sof)، متبارک باد، است؛ و از همین رو غوغا پدید آمد.

וזהו צפונה לפני הוי"ה. שמבחי' צפונה שהוא בחי' רעש גדול מתנשאים ונושאים את הכסא דמות כמראה אדם למעלה מבחי' אדם לפי ששרשם מעולם התהו לפני מלך מלך לבני ישראל.

و این است معنای «در سمتِ شمال، پیشِ ה'». از مرتبۀ «سمتِ شمال» که مرتبۀ «غوغایی بزرگ» است، آنان برمی‌خیزند و تخت را، که صورتی چون نمودِ انسان دارد، حمل می‌کنند و از مرتبۀ انسان فراتر می‌روند؛ زیرا ریشه‌شان از عالمِ تهو (תהו, Tohu) است، «پیش از آن‌که پادشاهی بر فرزندانِ اسرائیل فرمانروایی کند».

19 והנה הוי"ה יו"ד חכמה כו' בחי' אדם. משא"כ ברעש גדול מתנשאים למעלה מבחי' אדם. וזהו לפני הוי"ה מקור בחי' הוי"ה שמשם נמשך להיות התהוות בחי' הוי"ה.

اکنون، نام چهارحرفی (ה', Havayah)، [که] حرفِ یוד (יו"ד, yud) آن [حکمت (חכמה, Chochmah) است] و الی آخر، مرتبۀ انسان است؛ اما «با غوغایی عظیم برمی‌خیزند» از مرتبۀ انسان فراتر می‌روند. این همان معنای «پیش از ה'» است: سرچشمۀ مرتبۀ ה'، که از آن، مرتبۀ ה' پدید می‌آید.

והנה כמו שדם התמיד היו מקריבים מנפש הבהמה ממש כך התפלה במקום הקרבנות היא בעליות והתכללות נפש הבהמית שבאדם שהיא ג"כ ברעש גדול בחי' רשפי אש והתלהבות בתשוקה וצמאון כו'.

همان‌گونه که خونِ قربانی روزانۀ تمید (תמיד, tamid) را از نفسِ خودِ حیوان تقدیم می‌کردند، دعا نیز به‌جای قربانی‌ها، عبارت است از صعود و جذبِ نفسِ حیوانی (نפש הבהמית, Nefesh HaBahamis) درونِ انسان؛ و آن نیز «با غوغایی عظیم» است: مرتبۀ شراره‌های آتش و شور و التهاب، در اشتیاق و تشنگی و جز آن.

20 وזהו אדם ובהמה תושיע הוי"ה בחי' בהמה שבאדם תושיע להיות בה ג"כ המשכת בחי' הוי"ה.

این همان است: «آدمی و بهیمه را نجات می‌دهی، ה'»؛ بهیمه‌ای را که در آدمی است نجات می‌دهی، تا مرتبۀ ה' نیز در آن فرود آورده شود.

וצמאון זה ותשוקה זאת היא בחי' בכל לבבך. שבלב יש ב' חללים חלל הימני מלא אויר ורוח.

این تشنگی و این اشتیاق، مرتبۀ «با تمام قلبت» است؛ زیرا قلب دو حفره دارد: حفرۀ سمت راست از هوا و دم پُر است،

וחלל השמאלי מלא دم שהדם הוא הנפש רביעית دم שהנפש תלוי בו משכנו בלב ששם יסוד האש והחום הטבעי.

و حفرۀ سمت چپ از خون پُر است، زیرا «خون همان جان است»؛ مقدارِ یک پیمانهٔ ربعی از خون (רביעית, rev'i's) که جان به آن وابسته است، در قلب جای دارد؛ جایی که عنصرِ آتش و گرمای طبیعی قرار دارند.

כנודע שכנפי הריאה מנשבי' [מנשבים] על הלב לקררו מחמימות ושם הוא משכן התשוקה וצמאון האלקי להעלות ולהתכלל באוא"ס [באור אין סוף] ב"ה:

چنانکه دانسته است، لوبهای ریه بر قلب می‌دمند تا آن را از گرمایش خنک کنند. جایگاه اشتیاق و تشنگی الهی نیز همان‌جاست تا بالا رود و در نور بی‌پایان (اور אין سوف، Or Ein Sof)، که او متبارک است، مستغرق شود.

21 והנה אחרי בחי' ההעלאה והתכללות זו רוח אייתי רוח ואמשיך רוח להמשיך אוא"ס [اور אין سوف] ב"ה למטה כמים הפנים.

اکنون، پس از این عروج و جذب، «روح، روحی را می‌آورد و روحی را فرومی‌آورد»: تا نور بی‌پایان (اور אין سوف، Or Ein Sof)، که او متبارک است، به پایین فرود آید؛ «چون آب، چهره را در برابر چهره [بازمی‌تاباند].»

כשם שמבטל א"ע [את עצמו] מיש לאין כך נמשך מלמעלה מאין ליש שתהא השראת אוא"ס [اور אין سوف] ב"ה ממש למטה כמו למעלה.

همان‌گونه که انسان خویشتن را از هستی به نیستی فرومی‌برد، از بالا نیز از نیستی به هستی فرود آورده می‌شود، تا خود اور אין سوف، که او متبارک است، در پایین همان‌گونه قرار گیرد که در بالا.

22 ובכל נפשך בכל כחות הנפש מחדו"מ [מחשבה דבור ומעשה]. וגם כל נפש כלולה מנר"נ [מנפש רוח נשמה]. ועיקר הנפש היא המשכלת כ"ח לפום שעורא דיליה. יש מארי מקרא. ויש מארי משנה ותלמוד.

«با تمام جانت»: با همه قوای جان، یعنی اندیشه، گفتار و کردار. همچنین، هر نفس شامل نر"נ است: جان (nefesh, נפש)، روح (ruach, רוח) و נِشامه (neshamah, נשמה). بخش اصلی نفس، قوه عقلانی آن است و اندازه این قوه در هر کس متفاوت است: برخی در متون کتاب مقدس تبحر دارند و برخی در میشنا (משנה) و تلمود (תלמוד).

וזהו ענין הדלקת הנרות. אלא שבין הערבים מדליק כל ז' הנרות ובבקר בשעת הטבת שתי נרות היה מדליק נר הששי אחר הטבתו ואח"כ מדליק נר הז'.

این است معنای افروختن چراغ‌ها. با این حال، هنگام غروب هر هفت چراغ را می‌افروخت؛ اما صبح، هنگام آماده‌سازی دو چراغ، نخست چراغ ششم را پس از آماده‌کردنش می‌افروخت و سپس چراغ هفتم را روشن می‌کرد.

23 והוא כענין ותורה אור להיות מאיר אור התורה בכל נפשך נפש השכלי [השכלית]. ומזה בא לבחי' ובכל

מאדך בכל ממונך היא בחי' הצדקה שהיא סתם מצוה מעשיית.

مانند «و تورات نور است»: یعنی نور تورات باید در «با تمام جانت» بتابد، یعنی در نفس عقلانی. از این جا آدمی به مرتبه (בחینه, bechinah) «با تمام توان» می‌رسد؛ «با تمام دارایی‌ات»؛ و این مرتبه صدقه (צדקה, tzedakah) است، که به‌طور مطلق «فرمان دینی» (מצוה, mitzvah) نامیده می‌شود و یک מצوה عملی است.

کنודע שהמצות שהן בעשייה גשמי [גשמיים / גשמיות / גשמית] הן בבחי' קטרת הנעשה מסמנים שאין

בהם טעם ואינם ממין מאכל.

چنان‌که معروف است، فرمان‌های دینی (מצוות, mitzvot) که با عمل جسمانی انجام می‌شوند، در مرتبه بخور قرار دارند؛ بخوری که از ادویه‌هایی ساخته می‌شود که مزه‌ای ندارند و از جنس خوراکی نیستند.

24 وماهم نעשה בחי' ריח העולה למעלה לחזק את המוח ולהשיב את הנפש שראשית גילוי כלליות הנפש

הוא במוחין שבראש ופעולות הריח היא שלא תהיה הנפש בבחי' הסתלקות מן המוחין רק שתשוב ותתגלה מהעלם אל הגילוי.

از آنها رایحه‌ای پدید می‌آید که به‌سوی بالا برمی‌خیزد تا ذهن را نیرومند کند و جان را بازگرداند. زیرا نخستین ظهور نفس در کلیتش در قوای عقلانی (מוחין, mochin) در سر است، و اثر رایحه این است که نفس از قوای عقلانی کناره‌گیری نکند، بلکه بازگردد و از نهان به آشکار درآید.

25 וכך הוא ענין המצות. וכללותן היא מצות הצדקה. שעליה נאמר וצדקה תרומם גוי. שמתרוממת ועולה

למעלה מעלה. وکتוב וילבש צדקה כשריון וכובע ישועה בראשו.

پس چنین است در باب فرمان‌ها (מצוות, mitzvot)، و کلیت / مجموع (כללות, klalus) آن‌ها، فرمان صدقه است؛ درباره آن گفته شده است: «صدقه قومی را سربلند می‌کند»؛ صدقه رفعت می‌یابد و پیوسته بالاتر و بالاتر می‌رود. و نوشته شده است: «صدقه را همچون زره حلقه‌ای پوشید و کلاه خود نجات را بر سر نهاد.»

שריון הוא מקשקים רבים. וכך הנה כל פרוטה ופרוטה מצטרפת לחשבון גדול. להיות בחי' שריון

שהוא מגן לכל החוסים בו.

زره حلقه‌ای از پولک‌های بسیار [ساخته شده] است. به همین ترتیب، هر سکه و هر سکه به حسابی بزرگ افزوده می‌شود تا زرهی حلقه‌ای پدید آید که سپری است برای همه کسانی که در آن پناه می‌گیرند.

וכך הצדקה נעשה בחי' מגן ומחסה שלא יהיה יניקת הקליפה וס"א [יסטרא אחרא]. ונעשה בחי' כובע ישועה בראשו:

به همین ترتیب، صدقه به مرتبه سپر و پناهگاه بدل می‌شود، تا پوسته (کلیפה، kelipah) و سوي دیگر (סטرا אחרא، sitra achra) از تغذیه بی‌بهره بمانند؛ و به مرتبه «کلاه خودِ نجات بر سر او» بدل می‌شود.

26 وביאור ענין זה הנה כתיב עטרת תפארת שיבה בדרך צדקה תמצא. שמבחי' צדקה נעשה בחי' עטרת תפארת שיבה היא בחי' הדרת פנים יאר ה' פניו כו'

توضیح این مطلب چنین است: نوشته شده است: «تاج شکوه، موی سپید است؛ در راه صدقه یافت می‌شود.» از صدقه، «تاج شکوه، موی سپید» پدید می‌آید؛ و این همان مرتبه جلالِ چهره است: «باشد که نام چهارحرفی (ה', Havayah) چهره خویش را بتاباند» و غیره،

בחי' פנימיות היא בחי' תעלומות לב ופנימית הלב שמתאחדת עם המוח בבחי' תרין ריעין דלא מתפרשין. כי חיצוניות הלב אינה מתאחדת עם המוח שהמוח ברשותו להשכיל ולהתבונן בגדולת א"ס ב"ה.

مرتبه بُعد درونی (پنیمיות، pnimiyus)، یعنی «نهفته‌های دل»، بُعد درونی دل است که با عقل یکی می‌شود، همچون «دو یاری که هرگز از هم جدا نمی‌شوند». زیرا بُعد بیرونی (حיצוניות، chitzoniyus) دل با عقل یکی نمی‌شود: عقل در اختیار آدمی است تا عظمت بی‌نهایت مطلق (این سوف، Ein Sof)، که متبارک باد، را بفهمد و درباره‌اش بیندیشد،

27 ואעפ"כ [ואף על פי כן] חיצוניות הלב אינה ברשותו אבל פנימי [פנימיות / פנימית] הלב היא מתאחדת ממש עם המוח. ומחמת הצדקה נעשה בחי' ריח המשיב את הנפש ומאיר גילוי המוח להתאחד בפנימית הלב.

و با این همه، بُعد بیرونی قلب (حיצוניות، chitzoniyus) در اختیار انسان نیست؛ اما بُعد درونی قلب (پنیمיות، pnimiyus) حقیقتاً با ذهن یکی می‌شود. و به واسطه صدقه، رایحه‌ای پدید می‌آید که جان را بازمی‌گرداند و آشکارگی ذهن را روشن می‌کند تا با بُعد درونی قلب یکی شود.

וזהו שמן וקטורת ישמח לב. זה הקב"ה דכתיב צור לבבי. דכמו שהלב ממשיך חיות לכל האיברים. כך הנה כתיב ואתה מחיה את כלם.

این همان «روغن و بخور دل را شاد می‌کنند» است: مراد قدوس متبارک (קב"ה / קודשא בריך הוא، Kudsha Brich Hu) است، چنان‌که نوشته شده: «صخره دل من». زیرا همان‌گونه که قلب نیروی حیات (חיות، chayus) را به همه اندام‌ها می‌رساند، چنین نیز نوشته شده است: «و تو به همه آنان حیات می‌بخشی».

28 ושמחת הלב היינו בחי' גילוי פנימיות דהיינו בחי' פנימית אור א"ס ב"ה אין ערוך אליו כו'.

شادي دل، آشکارشدنِ بُعدِ درونی است؛ یعنی بُعدِ درونی نورِ بی‌پایان (اور אין سوف، Or Ein Sof)، ب"ה؛ نوری که هیچ چیز با آن سنجیدنی نیست، و غیره.

ויע"י הצדקה שהוא בחי' בטול היש לאין שנותן חיי נפשו מיגיעו. נמשך מלמעלה המשכה ליש מאין ממש הוא בחי' פנימית אור א"ס ב"ה ממש.

و به واسطهٔ صدقه، که خودنفی‌گري «هست» به «نیست» است، زیرا شخص حیاتِ جانِ خویش را از دسترنج خود می‌بخشد، از بالا افاضه‌ای از نیستی حقیقی به هستی فروکشیده می‌شود؛ و این همان بُعدِ درونی نورِ بی‌پایان (اور אין سوف) ب"ה، خودِ آن است.

29 וזו היא בחי' עושים רצונו של מקום. כי הנה רצון הוא בבחי' שינוי. ואני הוי"ה לא שניתی כתיב.

این همان مرتبهٔ «عمل به ارادهٔ آن‌که همه‌جا حاضر است (مکوم، Makom)» است. زیرا اراده (רצון، ratzon) دستخوش دگرگونی می‌شود، و نوشته شده است: «من، نامِ چهارحرفی (ה', Havayah)، تغییر نکرده‌ام.»

אלא ישראל עושים רצונו ש"מ [של מקום] להיות התפשטות רצונו ית' בבחי' מקום שהן הן המצות שהן רצונו ית' המלוכשות בעשי' [בעשיה] גשמית בבחי' מקום וזמן.

اما اسرائیل ارادهٔ آن‌که همه‌جا حاضر است را به‌جا می‌آورند؛ [و این موجب می‌شود که] ارادهٔ او، که متبارک است، در بُعدِ مکان گسترش یابد: اینها همان فرمان‌های الهی (מצוות، mitzvos) هستند؛ فرمان‌هایی که ارادهٔ او، که متبارک است، هستند و در عمل جسمانی، در مکان و زمان، جامه پوشیده‌اند.

30 ותרי"ג מצות דאורייתא וז' דרבנן הם תר"ך עמודי אור. כמו עמוד המחרב מעלה ומטה להיות אוא"ס

[اور אין سوف] שבבחינת פנימית שלמעלה מעלה מגדר עלמין שורה ומתלבש בבחי' רצון בתרי"ג מצות

דאורייתא וז' דרבנן המלוכשות בגשמיות.

۶۱۳ فرمانِ تورات (מצוות، mitzvos) و هفت فرمانِ ربانی، ۶۲۰ ستونِ نورند؛ همچون ستونی که بالا و پایین را به هم پیوند می‌دهد؛ تا نورِ بی‌پایان (اور אין سوف، Or Ein Sof)، که متبارک است، در بُعدِ درونی‌اش – که بسیار فراتر از حدودِ عوالم است – جای گیرد و در هیئتِ اراده، در ۶۱۳ מצוותِ تورات و هفت فرمانِ ربانی که در امورِ مادی پوشیده‌اند، متلبس شود.

31 ולכך נק' מעשה הצדקה כובע ישועה. כי ישועה מלשון וישע ה' אל הבל כו'. שפונה אל תפלתו דהיינו שגורם להיות הקב"ה פונה בעצמו ובכבודו להמשיך גילוי עצמותו ומהותו ממש.

ازاین رو، عمل صدقه «کلاه خودِ رهایی (ישועה, yeshuah)» نامیده می شود. زیرا «رهایی» از همان ریشه «روی آوردن» (ویשע, vayisha) است؛ چنان که آمده است: «و نام چهارحرفی (ה', Havayah) به هول روی آورد» و الی آخر؛ یعنی او به دعای هول روی آورد. به عبارت دیگر، [صدقه] سبب می شود قدوس متبارک (קב"ה / קודשא בריך הוא, Kudsha Brich Hu) با خود او و جلالش روی آورد تا تجلی ذات و ماهیت حقیقی خود را فروفرستد.

وگילוי זה מתחלק לש"ע [לש"ע (370)] נהורין והוא מקור התפארת שיבה בחי' הדרת פנים כדכתיב גבי כהנים ומגבעות תעשה להם לכבוד ולתפארת שהמגבעות שהם בחי' הכובע ישועה נמשך להיות בחי' תפארת שיבה והדרת פנים.

این تجلی به ۳۷۰ نور تقسیم می شود و سرچشمه «شکوه موی سپید» و جلال چهره است؛ چنان که درباره کاهنان نوشته شده است: «برای آنان کلاههایی بساز، برای حرمت و شکوه؛ کلاهها، که همان «کلاه خودِ رهایی» هستند، فروکشیده می شوند تا به «شکوه موی سپید» و جلال چهره بدل شوند.

32 وזהו עטרת תפארת שיבה וכ"ז [וכל זה] בדרך צדקה תמצא כי מבחי' צדקה נעשה בחינת כובע ישועה להמשיך בחינת הדרת פנים יאר ה' פניו בחינת פנימיות כנ"ל. ואחר כך בחינת איברים. שבקרבות היו שני דברים دم וחלב.

«موی سپید تاج شکوه است»، و همه اینها «در راه صدقه یافت می شود»؛ زیرا از صدقه، مرتبه «کلاه خودِ نجات» پدید می آید تا جلال چهره را فرود آورد؛ «باشد که ه' چهره اش را روشن سازد»؛ این همان مرتبه بُعد درونی (פנימיות, pnimiyus) است، چنان که پیشتر توضیح داده شد. و پس از آن [می آید] مرتبه اندامها؛ زیرا در قربانی ها دو چیز بود: خون و چربی.

33 והדם קודם לנרות. וקטורת היא בחינת בכל לבבך והאיברים שהן החלב היה אחר הנרות והקטרת.

خون پیش از چراغها و بخور می آید؛ و خون مرتبه «با تمامی دلت» است؛ و اندامها، یعنی چربی، پس از چراغها و بخور بودند.

והענין כי החלב הוא בחי' התענוג כמו שאנו רואים שמי שהוא בעל תענוג יש לו רבוי חלב.

توضیح آن است که چربی مرتبه لذت (תענוג, taanug) است؛ چنان که می بینیم کسی که اهل لذت است، چربی فراوانی دارد.

והיינו להיות כל חלב להי"ה שיתענג על ה' בשמחה ובטוב לבب מרוב כל

یعنی، «همه چربی از آن ه' است»: آدمی باید با شادی و خرسندی دل، بیش از هر فراوانی ای، از ه' لذت ببرد،

ולא יהיה לו תענוג אחר כלל ועי"ז והיו הדברים האלה אשר אנכי מצוך כו'. ואנכי ממש מצוך כו' שע"ז יהיה בעיניו מתיקות התורה כו':

و اصلاً هیچ لذت دیگری نداشته باشد. از این راه، «این سخنانی که به تو فرمان می‌دهم» و غیره، [بر دل تو قرار خواهند گرفت]؛ و «من» خودم به تو فرمان می‌دهم و غیره، تا از این راه شیرینی تورات در نظر او باشد و غیره.

34 ומעתה נבא לבאר ענין חנוכה מה שמברכין להדליק נר חנוכה. ומה ענין חנוכה המזבח וחנוכה הבית.

اکنون به تبیین موضوعِ حنوکا، یعنی «تدشین» (חנוכה, Chanukah)، می‌پردازیم: چرا برای «افروختن چراغِ حنوکا» برکت می‌گوییم، و معنای تدشینِ مذبح و تدشینِ خانه چیست.

הנה כתיב חנוך לנער ע"פ דרכו. שהוא כשרוצים ללמדו. והרי הוא רחוק מזה צריך לחנכו.

نوشته شده است: «جوان را بر وفقِ راهش تربیت کن» (חנוך, chanoch)؛ یعنی وقتی می‌خواهند به او چیزی بیاموزند و او از آن دور است، باید او را تربیت کرد.

35 והחינוך הוא במתנות רבות שנותנים לו. אך הנה כתיב נער הייתי שרו ש"ע [של עולם] אמרו שהחיות המתפשט בכל העולמות לכל חד לפום שיעורא דיליה הוא בבחי' נער.

پرورش از راه هدیه‌های فراوانی است که به او داده می‌شود. اما نوشته شده است: «جوان (نער, na'ar) بودم»؛ [حکیمان] گفتند که شاهزاده جهان این آیه را گفته است: یعنی نیروی حیات (חיות, chayus) که در همهٔ عوالم گسترده می‌شود، برای هر یک به اندازهٔ خودِ آن، در مرتبهٔ جوانی است.

וכמ"ש והוא נער את בני בלהה כו'. שם הקטנה רחל. ה' קטנה בחי' מל' ה' אחרונה של שם הוי"ה להיות ומלכותו בכל משלה. להוות הנבראים מאין ליש הוא בבחי' קטנה לפי שהיא בבחי' גבולים ומצרים.

چنان‌که نوشته شده است: «و او با پسرانِ بلهه (בלهه) جوان بود»، و غیره؛ [و] «نام کوچک‌تر، راحیل (רחל) بود»: حرفِ هی کوچک (ה' קטנה, hei ketanah)، مرتبهٔ فرمانروایی (מלכות, Malchus)، یعنی هی پایانی نام چهارحرفی (ה', Havayah)، تا «فرمانروایی او بر همه حکم براند». پدید آوردنِ آفریدگان از هیچ به هستی در مرتبهٔ «کوچک» است، زیرا در مرتبهٔ مرزها و محدودیت‌ها قرار دارد.

36 ולגבי א"ס ב"ה שכשמו כן הוא אין לו סוף כו' נק' כל כללות החיות בשם קטנות שאין ערוך אליו ית'.

ולכן כתיב מי יקום יעקב כי קטן הוא.

در برابر بی‌نهایت مطلق (این سوف, Ein Sof), متبارک باد او، که چنان‌که نامش است، همان‌گونه است و پایانی ندارد و الی آخر؛ تمام نیروی حیات، در مجموع، «کوچکی» نامیده می‌شود، زیرا با او سنجیدنی نیست، متبارک باد او. از این‌رو نوشته شده است: «يعقوب (يعقوب) چگونه برپا بایستد، حال آن‌که او کوچک است؟»

כי יעקב מברית מן הקצה אל הקצה ומאחר שיש קצה בראש וקצה בסוף הרי יש לו בחי' גבול וה"ז [והרי

זה] בבחי' קטן לגבי א"ס ב"ה.

زیرا یعقوب همان میله‌ای است که از یک سر تا سر دیگر امتداد دارد؛ و چون در بالا انتهایی هست و در پایین نیز انتهایی، پس حدی دارد و از این‌رو در برابر بی‌نهایت مطلق، متبارک باد او، کوچک است.

37 וכדי להמשיך אוא"ס [אור אין סוף] ב"ה ממש בקרבנות דם התמיד ונרות וקטרת ואברים היה המזבח קטן

מהכיל

برای فرودآوردن خود نور بی‌پایان (اور این سوف, Or Ein Sof) – متبارک باد او – از طریق قربانی‌ها (خون قربانی روزانه (התמיד, tamid)، چراغ‌ها، بخور و اندام‌ها)، مذبح برای در خود جای‌دادن [آن] بیش از اندازه کوچک بود.

ולכן התנדבו הנשיאים לחנוכת המזבח רבוי מתנות לחנך את המזבח והיה מתנתם מרובה מזה שהקריבו

עליו בכ"י [בכל יום] את הכבש אחד כו' שהקריבו משל צבור של כל ישראל.

بنابراین، سران قبایل داوطلبانه هدایای فراوانی برای تقدیس مذبح آوردند تا مذبح را تقدیس کنند؛ و هدیه آنان از آنچه هر روز بر آن تقدیم می‌شد، یعنی «یک برّه» و غیره، بیشتر بود؛ قربانی‌ای که از محل وجوه عمومی تمامی اسرائیل تقدیم می‌شد.

38 והנשיאים לפי שהיו במעלה יותר משאר כללות ישראל נתנו לחנוכת המזבח מתנה מרובה קערות כסף

ופרים וכבשים ועתודים

شاهزادگان، چون در مرتبه‌ای بالاتر از بقیه جماعت اسرائیل بودند، برای افتتاح مذبح هدیه‌ای بزرگ آوردند: کاسه‌های نقره، گاوهای نر، بره‌ها و بزهای نر،

כדי שיהיה כח בקרבנות של ישראל להמשיך אור דבר יום ביומו בקרבנות של כל יום ויום.

تا در قربانی‌های اسرائیل توان فرودآوردن نور، «امر هر روز در همان روز»، در قربانی‌های هر یک از روزها باشد.

וכך היה ענין הנרות דחנוכה בימי חשמונאי שהיונים לא בקשו לשלוח ידם רק להשכיחם תורתך ולהעבירם כו' וכמארז"ל [וכמאמר רבותינו זכרונם לברכה] (בב"ר [בבראשית רבה] פ' ט"ז ופ' מ"ד) שאמרו כתבו לכם על קרן השור כו'.

همچنین بود ماجرای چراغ‌های جشنِ חנוכה (Chanukah) در روزگار حشمونیان: یونانیان نمی‌خواستند به آنان دست دراز کنند، بلکه تنها می‌خواستند «توراتِ تو را از یادشان ببرند و آنان را به گناه وادارند»، و جز این؛ چنان‌که حکیمان ما، یادشان گرامی، گفتند (בראשית רבה، بخش‌های ۱۶ و ۴۴) که آنان گفتند: «روی شاخ گاو بنویسید»، و جز این.

ופי' לפי שכל העובדי כוכבים יש להם נה"ב [נפש הבהמית] מפני שור אלא שהם מקבלים מבחי' הפסולת והשמרי' [והשמרים] בחי' קרנים וטלפים שמרים ופסולת

مقصود این است که همهٔ بت‌پرستانِ نفسی حیوانی (نפש הבהמیت, Nefesh HaBahamis) دارند که از چهرهٔ گاو است؛ بااین‌حال، دریافتشان از مرتبهٔ پسماند و ته‌نشست است: مرتبهٔ شاخ‌ها و سم‌ها، لرد و زوائد.

שאין עולים ונכללים [ונכללים] בקדושי' [בקדושה / בקדושת] פני שור שבמרכב' [שבمרכבה] שנושאות את הכסא ודמות אדם שעליו מלמעלה שכח זה רק בהנפש אלקית שהוא מבחי' אדם שעל הכסא.

که عروج نمی‌کنند و در قدوسیّت چهرهٔ گاوِ ارابه جذب نمی‌شوند؛ [موجودات زنده (حיות, Chayos)] ی که تخت و شمایلِ آدمی را که از بالا بر آن قرار دارد حمل می‌کنند؛ زیرا این توانایی [وجود دارد] تنها در نفیس الهی (نפש האלקית, Nefesh Elohis)، که از مرتبهٔ آدمی است که بر تخت قرار دارد.

39 והנה"ב [והנפש הבהמית] היא מבחי' אדם שבחיות שבמרכבה ודמות אחד לארבעתן. ודמות פניהם פני אדם. ולכן יש להם כח להמשיך אור א"ס ב"ה ממש.

و نفیس حیوانی (نפש הבהמیت, Nefesh HaBahamis) [از اسرائیل] از مرتبهٔ انسان در میان موجوداتِ زندهٔ عرابه (حיות, Chayos) است: «و هر چهار تن صورتی واحد داشتند»؛ «و شباهتِ چهره‌هایشان، چهرهٔ انسان بود». ازاین‌رو آنان توان آن را دارند که خود نور بی‌پایان (اور אין سوف, Or Ein Sof) را، که متبارک باد، فرود آورند.

והיונים נתקנאו בישראל ורצו שגם ישראל יכתבו על קרן השור שיקבלו מבחי' קרנים וטלפים כנ"ל שלא ליכלל בקדושת אדם העליון.

یونانیان به اسرائیل رشک بردند و می‌خواستند اسرائیل نیز بر شاخِ گاو بنویسد تا آنان هم، چنان‌که پیش‌تر گفته شد، از مرتبهٔ شاخ‌ها و سُم‌ها دریافت کنند و در قداسّتِ انسانی برین جذب نشوند.

וזהו שאין לכם חלק כו'. והישראל היו חלשים ומעטים בזמן ההוא ואעפ"כ [ואף על פי כן] מסרו נפשם על קדוש השם

این همان [معنای] «شما را هیچ سهمی نیست» و مانند آن است. اسرائیل در آن زمان ضعیف و اندک‌شمار بود، و با این‌همه جان خود را در راه تقدیس نام فدا کرد.

ובכח מס"נ [מסירות נפש] הי' [היה] להם כח להמשיך אור התורה מחדש והמשכ' זו היא בבחי' חנוכה בחי' מתנה מרובה המשכת כובע ישועה להיות עטרת תפארת שיבה כו':

و به نیروی فداکاری تا پای جان (مסירות نפש, mesirus nefesh)، توان آن را یافتند که نور تورا را از نو فرود آورند. این فرودآوردن در مرتبه تقدیس (חנוכה, Chanukah) است؛ مرتبه بخششی فراوان، فرودآوردن «کلاه خود نجات» تا «تاج شکوه موی سپید» گردد و مانند آن.

40 وזהו ענין הלל והודאה כי הלל הוא ל' [לשון] שבח וגם לשון בהילו נרו כו'. הארה בבחי' גילוי

این موضوع ستایش (הלل) و سپاسگزاری است. زیرا הלל به معنای ستایش است و همچنین از تعبیر «هنگامی که چراغش می‌درخشید» (בהילו) و مانند آن است: روشنایی در مرتبه ظهور.

وזה נמשך מזה כי מחמת השבח שמשבחים את האדם במעלות ומדות שיש בו מעוררים את המעלות ומדות שבו לצאת מהעלם לגילוי.

و یکی از دیگری پدید می‌آید؛ زیرا ستایشی که در آن، شخص را به سبب فضایل و خصلت‌هایی که دارد می‌ستایند، آن فضایل و خصلت‌های نهفته در وجودش را برمی‌انگیزد تا از نهفتگی به ظهور آیند.

41 وזהו הללויה שיצא שם י"ה מהעלם לגילוי להיות בחי' יו"ד חכמה כו' מלמעלה מן החכמה

این است «هَلَلُویاه» (הללויה, Halleluyah): اینکه نام י"ה (Yah) از نهان به آشکارگی درآید، تا مرتبه حرف یוד (י"ד, yud)، یعنی حکمت (חכמה, Chochmah)، و مانند آن، از ورای حکمت باشد.

כי חכמה כ"ח מ"ה [מה] בגימטריא אדם והמשכת בחי' אדם שעל הכסא הוא מבחי' שלמעלה מעלה מבחי' אדם הוא בחי' אור א"ס ב"ה ממש ועיי"ז נעשה בחי' שם י"ה תרין ריעין דלא מתפרשין

زیرا حکمت (חכמה, Chochmah) همان توان مَه (כ"ח מ"ה, koach Mah) است، و مَه (מ"ה, Mah) از نظر ارزش عددی با آدم (آدم, adam؛ انسان) برابر است؛ و فرودآوردن مرتبه انسان بر تخت، از مرتبه‌ای بسیار فراتر از مرتبه انسان است: نور بی‌پایان (أور אין سوف, Or Ein Sof)، خود ه' متبارک. از این رهگذر، نام י"ה پدید می‌آید: «دو یار که هرگز از یکدیگر جدا نمی‌شوند».

ואח"כ הללו את שם ה' להיות המשכת חכמה במדות שתהיינה גם המדות בבחי' בטול לך ה' הגדולה כו'.

و پس از آن، «نام چهارحرفی (ה', Havayah) را بستانیید»: تا حکمت به صفات عاطفی (مדות, middos) فرود آورده شود، به گونه‌ای که صفات نیز در حال خودنمایی (بیטול, bittul) باشند: «از آن توست، ה'، بزرگی»، و مانند آن.

אך כ"ז [כל זה] ההילול והשבח להמשיך מההעלם לגילוי הוא ע"י עבדי ה' שהם בבחי' עבדים שמקבלים עליהם עומ"ש [עול מלכות שמים] בבחי' שום תשים כו'

اما این همه ستایش و ثنا، برای فرودآوردن از نهان به آشکارگی، به واسطه «بندگان ه'» است؛ آنان در مرتبه بندگانند که یوغ فرمانروایی آسمان را بر خود می‌پذیرند، یعنی پذیرش یوغ (קבלת עול, kabbalas ol)، به گونه‌ای که آمده است: «حتماً [پادشاه بر خود] بگمارید»، و مانند آن.

וכמ"ש במ"א שבחי' הלל והשבח הזה והמשכה זו היא בחי' מאה ברכות שחייב אדם לברך בכל יום שהוא בחי' הברכה והמשכה מהעלם אל הגילוי.

چنان‌که در جای دیگری توضیح داده شده است، این مرتبه از ستایش و ثنا و این فرودآوردن، همان مرتبه صد برکتی است که هر شخص موظف است هر روز بر زبان آورد؛ و این مرتبه برکت و فرودآوردن از نهان به آشکارگی است.

42 וזהו יהי שם ה' מבורך מעתה ועד עולם. מעתה מהתחל' [מהתחלת] הזמן שהוא בבחי' מלכותו ית' שאז שייך ל' [לשון] זמן מלך מלך כו' כמ"ש במ"א

این همان است: «نام چهارحرفی (ה') از اکنون تا ابد مبارک باد.» «از اکنون» یعنی از آغاز زمان، که در مرتبه فرمانروایی (מלכות, Malchus) او – متبارک باد – قرار دارد؛ زیرا آن‌گاه تعبیر زمان معنا پیدا می‌کند: «[ה'] پادشاه است، [ה'] پادشاه بود» و غیره، چنان‌که در جای دیگر توضیح داده شده است.

ועד עולם היינו שיומשך ויתפשט עד סוף כל המדרגות שיהי' [שיהיה] גילוי אלקות כו'.

«و تا ابد»: یعنی تا پایان همه مراتب فرود آورده و گسترده شود، تا الوهیت آشکار گردد و غیره.

43 וכ"ז [וכל זה] בחי' הלל והללויה להמשיך מההעלם אל הגילוי. אבל בחי' הודאה הוא בחי' שוב שצ"ל רצוא ושוב

همه این‌ها مرتبه ستایش (הלל, Hallel) و הללויה (הללויה, Halleluyah؛ یعنی ستایش ه') است؛ برای آن‌که از نهان به آشکار آورده شود. اما سپاسگزاری (הודאה, hodaah) مرتبه «بازگشت» است، زیرا باید «دویدن و بازگشتن» باشد.

ולמעלה נק' מטי ולא מטי שבאמת אין א"ס [אור אין סוף] **ב"ה בגילוי ממש בזה"ז** [בזמן הזה] **כ"א לע"ל**
[לעתיד לבוא] **ונגלה כבוד הוי"ה כי עין בעין כו'**

در مراتبِ بالا، این حالت را «رسیدن و نرسیدن» می‌نامند. زیرا در حقیقت، نور بی‌پایان (اور אין سوف, Or Ein Sof)، متبارک باد او، در این زمان به‌راستی آشکار نیست، بلکه تنها در زمان آینده آشکار خواهد شد: «و جلالِ ه' آشکار خواهد شد»، «زیرا چشم در برابر چشم...»

משא"כ עכשיו אין הגילוי רק בבחי' קול דודי דופק אני ישנה ולבי ער כו' ומשחרב בהמ"ק [בית המקדש]
אין להקב"ה בעולמו אלא ד"א [ד' אמות] **של הלכה כו'**

اما اکنون آشکاری تنها به صورتِ «صدای محبوبم در می‌زند» و «من خوابم، اما دلم بیدار است» و مانند این‌هاست؛ و از زمان ویران‌شدنِ معبد مقدس، قدوسِ متبارک (קב"ה / קודשא בריך הוא, Kudsha Brich Hu) در جهانِ خود چیزی جز چهار ذراعِ هلاخا (הלכה, halachah؛ قانونِ تورات) ندارد، و مانند این‌ها.

ונמשך מזה בחי' הודאה ובטול לאור א"ס ב"ה הנמשך בתורתו ועבודתו. ودברי אשר שמתי בפיד.
ואשים דברי בפיד. אני המשנה המדברת בפיד כו':

از این، مرتبۀ سپاسگزاری و خودنفی‌گری (ביטול, bittul) در برابرِ اور אין سوف ب"ה پدید می‌آید؛ نوری که در توراتِ او و عبادتِ او به پایین کشیده می‌شود: «و سخنانِ من که در دهانت نهاده‌ام»، «و سخنانم را در دهانت نهاده‌ام»، «من می‌شنا (משנה, Mishnah) هستم که از دهانت سخن می‌گویم» و مانند این‌ها.



دربارهٔ این نسخه

.the English translation و This edition contains the Hebrew text

The Hebrew text of Torah Ohr: © Kehot Publication Society, via Sefaria, CC BY-NC 4.0; formatting adapted.

.Our English translation, made from the Hebrew without Kehot's notes: CC BY-NC 4.0

This edition as a whole: CC BY-NC 4.0. Shuls, schools and non-profit projects may copy, print and share it freely, and may ask for donations to cover the cost of printing; it may never be sold. Credit Kehot Publication Society and likuteitorah.com. <https://creativecommons.org/licenses/by-nc/4.0>

ترجمه و شرح انگلیسی: با کمک هوش مصنوعی (openai/gpt-6-luna-pro:batch) برای likuteitorah.com تهیه شده و با متن عبری و سفاریا مقابله شده است؛ هنوز ویراستار انسانی آن را بازبینی نکرده است. لطفاً هر مطلب مهمی را با متن عبری مقابله کنید.

ربه خواست که ماماریم پارشای آن هفته، «پارشای حسیدی»، در همان هفته و در طول هفت روز آن آموخته شوند (Sichah of Shabbos Parshas Vayakhel 5725 · Toras Menachem vol. 42, pp. 306–309 /parsha). چرا آن را بیاموزیم و برکات ربه: likuteitorah.com/about/the-chassidishe-

پروژه‌ای رایگان و غیرتجاری؛ هیچ‌چیز در اینجا فروخته نمی‌شود. وابسته به Kehot, Sefaria یا کتابخانهٔ لوباوویچ نیست. © likuteitorah.com

از likuteitorah.com/fa/torah-ohr/vayeishev/4/

تقدیم به افتخار

מוקדש לכבוד הגאון המקובל רבי לוי יצחק שניאורסאהן זצ"ל

پدر ربه، رب لیوی بیتسخاک